

## بررسی آثار اقتصادی و مفاهیم فقهی عقود سه گانه جدید استصناع، خرید دین و مرابحه به عنوان ابزارهای نوین بانکداری اسلامی

جعفر قادری<sup>۱</sup>

بهنام ایزدی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۴ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۸

### چکیده

یکی از گام‌های اساسی در زمینه تحقق و توسعه نظام بانکی بدون ربا و به دنبال آن کاهش فساد مالی، استفاده از ابزارهای جدید و منطبق بر شریعت می‌باشد. ابزارهای جدید اسلامی علاوه بر حل مشکلات فعالان بخش‌های مختلف اقتصادی، می‌تواند منجر به توسعه و گسترش بازارهای مالی اسلامی گردد. عقود سه‌گانه استصناع، خرید دین و مرابحه از جمله ابزارهای جدید است که جزء عقود مجاز بانکداری بدون ربا در نظام بانکداری اسلامی محسوب می‌شود. مطالعه حاضر تلاشی در جهت بررسی عقود سه‌گانه چه از لحاظ فقهی و چه از لحاظ به کارگیری و تامین مالی در بانکداری اسلامی است. در این مقاله این نتیجه حاصل شد که به وسیله این عقود سه‌گانه می‌توان سرمایه‌های کوچک و بزرگ مردم را جمع‌آوری و با هدایت به سمت سرمایه‌گذاری در طرح‌های مفید و مولد، امکان افزایش تولید، اشتغال و توزیع مناسب‌تر درآمد را فراهم آورد. لذا دولت می‌تواند با انتشار اوراق مبتنی بر این عقود، نقدینگی را در جامعه جمع‌آوری نموده و با سوق دادن آن‌ها به سمت فعالیت‌های مولد، زمینه تولید بیشتر و اشتغال گسترده‌تر را فراهم آورد.

**واژگان کلیدی:** استصناع، خرید دین، مرابحه، بانکداری بدون ربا، تامین مالی اسلامی

طبقه‌بندی JEL: B4, E22, F21, G15

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجله علمی جامع علوم انسانی

۱. استادیار و عضو هیئت علمی بخش اقتصاد دانشگاه شیراز  
jghaderi@rose.shirazu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد اقتصاد از دانشگاه شیراز و کارشناس وظیفه بازرسی کل استان فارس  
behnam.izady@yahoo.com

## مقدمه

افزایش حجم و تنوع فعالیت‌های اقتصادی باعث شده تا نیاز به تامین مالی کوتاه و بلندمدت به یک نیاز اساسی تبدیل شود. ضرورت تامین مالی این نیازها از طریق بازارهای پول و یا سرمایه ایجاد می‌کند تا این دو بازار در کشور بتوانند با ایجاد تنوع در ابزارهای تامین مالی، هم نسبت به تجهیز منابع و هم نسبت به تامین منابع برای فعالان اقتصادی ایفای نقش نمایند.

عدم وجود تنوع در عقود اسلامی باعث شده تا سیستم بانکی کشور، یا در تجهیز و تامین منابع برای انجام فعالیت‌های اقتصادی پاسخگو نباشد و یا برای پاسخگویی به این انتظارات از عقود غیرمرتبط استفاده نماید. هردوی این اقدامات، انتقادهای جدی نسبت به کارایی بانکداری بدون ربا را باعث شده است. این انتقادهای بگونه‌ای است که برخی‌ها تفکیکی بین عملکرد فعلی بانک‌ها و عملکرد بانکداری ربوی قائل نبوده و برخی دیگر نیز نظام بانکی بدون ربا در پاسخگویی به نیاز فعالان اقتصادی را غیرکارآمد می‌دانند.

یکی از نیازهای گسترده و متنوع مشتریان بانک‌ها، نیاز تسهیلاتی برای خرید کالا و خدمات و اجرای طرح‌های اقتصادی است. مشتریان بانک‌ها شامل خانوارها، بنگاه‌های اقتصادی و دولت، به صورت مستمر به خرید کالاها و خدمات و اجرای طرح‌های اقتصادی احتیاج دارند و در موارد زیادی برای تأمین مالی خرید، نقد کردن مطالبات، تامین نقدینگی برای تداوم کار و فعالیت و اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها، نیاز به استفاده از منابع بانکی پیدا می‌کنند. گرچه بکارگیری ابزارهای سنتی در قالب عقود مشارکتی و یا میادله‌ای تا حدود زیادی این نیازها را پاسخ داده‌اند، اما محدودیت‌های فقهی و حقوقی این قراردادها از یک سو و محدودیت‌های آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به این عقود، از سوی دیگر باعث شده تا این قراردادها نتوانند همه مطالبات مشروع و اقتصادی مشتریان را پوشش دهند.

یکی از گام‌های اساسی در زمینه تحقق و توسعه نظام بانکی بدون ربا، استفاده از ابزارهای جدید و منطبق بر شریعت می‌باشد. ابزارهای جدید اسلامی علاوه بر حل مشکلات فعالان بخش‌های مختلف اقتصادی، می‌تواند منجر به توسعه و گسترش بازارهای مالی اسلامی گردد. عقود سه‌گانه استصناع، خرید دین و مرابحه از جمله ابزارهای جدیدی است که براساس ماده ۸۹ قانون برنامه پنجم توسعه به عقود مجاز در قانون بانکداری بدون ربا در ایران اضافه شده است.

مرابحه بیعی است که قیمت تمام شده کالا شامل قیمت خرید، هزینه‌های حمل و نقل و نگهداری و دیگر هزینه‌های مرتبط توسط فروشنده به اطلاع مشتری رسانده شده و سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود می‌کند. همچنین خرید دین قراردادی است که به موجب آن دین مدت‌دار بدهکار به کمتر از مبلغ اسمی آن به صورت نقدی از داین خریداری می‌شود. خرید

دین می‌تواند توسط مدیون یا شخص ثالث صورت گیرد. در عقد استصناع، سفارش‌پذیر متعهد است با مواد اولیه‌ای که خود تهیه می‌کند، طرحی را تکمیل و تحویل دهد و به ازای آن، سفارش‌دهنده متعهد می‌شود بخشی از مبالغ را در ابتدا و بخشی را بسته به توافق در زمان‌های دیگر به سفارش‌پذیر بپردازد.

هرچند در برنامه پنجم توسعه کشور مشکل قانونی ابزارهای جدید بانکی حل شده است، ولی زمان‌دار بودن قانون برنامه ایجاب می‌کند تا جایگاه قانونی این عقود در قوانین دائمی تثبیت شود. علاوه بر این‌ها تلاش برای بررسی بیشتر ابعاد نظری و عملی این عقود در متون فقهی و کاربردهای اجتماعی ضمن این‌که به گسترش استفاده از این ابزارها در جامعه کمک می‌کند، شبهه ناسازگاری عملکرد سیستم بانکی با آموزه‌های دینی را نیز برطرف می‌کند.

این مقاله که با هدف بررسی بیشتر ابعاد نظری و عملی این عقود تهیه شده است، در بخش‌های زیر خلاصه شده است. در ابتدا مروری بر تحقیقات انجام شده خواهیم داشت و در قسمت مابقی نظری به تبیین تأمین مالی اسلامی، موانع آن و بررسی دقیق و مفهومی این عقود سه‌گانه پرداخته خواهد شد. در پایان نیز از مباحث مطرح شده نتیجه‌گیری خواهیم داشت.

### ۱- مروری بر ادبیات موضوع و مطالعات پیشین

یکی از مهم‌ترین راهکارهای نظام اقتصادی اسلام برای اجرای سیستم مشارکت در سود و زیان، استفاده از روش‌های تأمین مالی مرتبط با کالاها، فعالیت‌ها و یا طرح‌هاست. مهم‌ترین نوع تأمین برپایه‌ی طرح‌ها و فعالیت‌ها که به میزان زیادی در بانکداری اسلامی مرسوم است، استفاده از روش‌های مشارکتی نظیر مضاربه، مزارعه، مساقات و مشارکت مدنی می‌باشد. در رابطه با تأمین مالی خرید کالاها و دارائی‌ها نیز انواع بیع، کاربردهای فراوانی دارد. در نظام بانکداری اسلامی کشور ما نیز، بیع نسبه و به ویژه فروش اقساطی جزء کاربردی‌ترین انواع بیع به حساب می‌آید. همچنین عقد سلف (سلم)<sup>۱</sup> به عنوان یکی از انواع بیع، کاربرد گسترده‌ای در پیش خرید کالاها به ویژه

۱. بیع سلم و بیع سلف: سلم در لغت به معنای پیش پرداخت قبول کردن و اطاعت کردن آمده است. بیع سلم مترادف بیع سلف و آن بیعی است که در آن بها یا ثمن معامله نقداً و در هنگام انعقاد بیع پرداخت می‌شود ولی مبیع، مؤجل و کلی فی الذمه است. به عبارت دیگر بیع سلف یا بیع سلم پیش خرید یا پیش فروش است. که اگر از وجه خریدار به موضوع بیع نگاه شود، پیش خرید و اگر از وجه فروشنده به آن نظر شود پیش فروش تلقی می‌شود. در بیع سلم انتقال مالکیت مبیع در زمان تسلیم آن صورت می‌گیرد و نه در زمان انعقاد بیع. در بیع سلف یا سلم برخلاف بیع نسبه، کالا، مدت‌دار است لیکن بهای آن نقدی پرداخت می‌گردد. به عبارتی این بیع معامله کالای مدت‌دار به بهای نقد تعریف می‌شود.

کالاهای کشاورزی دارد. اما انواع دیگری از بیع نظیر مرابحه، استصناع و غیره نیز وجود دارند که کاربردهای قابل ملاحظه‌ای در تامین مالی خرید کالاها و دارائی‌ها می‌توانند داشته باشند (هیبتی و احمدی، ۱۳۸۸).

بیع مرابحه از زمان‌های قدیم در بین مردم رایج بوده است و مقصود از آن، بیعی است که در آن فروشنده، قیمت تمام شده کالا اعم از قیمت خرید، نگهداری، هزینه‌های حمل و نقل و سایر هزینه‌های مربوطه را به اطلاع مشتری رسانده، سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود می‌کند (نجفی، ج ۲۳، ۱۹۸۱).

موسویان در مطالعه‌ای بیان می‌کند که توجه به ضرورت حرکت به سمت بانکداری الکترونیکی و استفاده از کارت‌های اعتباری از یک طرف و نیز توجه به محدودیت‌های راهکار قرض الحسنه و عدم توان پاسخگویی به توسعه بانکداری الکترونیکی و کارت‌های اعتباری با استفاده از این راهکار، از طرف دیگر، ایجاب می‌کند تا یکی از راهکارهای انتفاعی بانکداری بدون ربا به صورت قراردادی محوری انتخاب شود. به اعتقاد ایشان از میان انواع قراردادهای قرارداد فروش نسبه مرابحه‌ای مناسب‌ترین است (موسویان، ۱۳۸۷).

از آن‌جاکه قرارداد بیع مرابحه به ویژه مرابحه سفارشی، از قراردادهای اصیل و شناخته شده در متون اقتصادی است و از نظر قلمرو شمول، فراگیری دارد، لذا می‌تواند پاسخگوی بسیاری از نیازهای تسهیلاتی خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی باشد. بنابراین، گستره موضوعی قرارداد مرابحه از یک سوی و تنوع شیوه‌های پرداخت آن از سوی دیگر و مهم‌تر از همه نگرش وسیع در تنظیم آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی قرارداد مرابحه و کارت‌های اعتباری طراحی شده براساس مرابحه، همه محدودیت‌های فروش اقساطی و جعله را از پیش پای بانکداری برمی‌دارد، به گونه‌ای که بانک‌ها می‌توانند همه نیازهای کالایی و خدماتی مشتریان را در صورت وجود توجیه اقتصادی تأمین مالی کنند (موسویان، ۱۳۹۰).

چند سالی است که برخی از متفکران مسلمان با استفاده از ویژگی‌های بیع مرابحه اقدام به طراحی اوراق بهاداری به نام اوراق بهادار یا صکوک مرابحه کرده‌اند (مقدسی، ۱۳۷۳). این اوراق در برخی از کشورهای اسلامی نظیر مالزی، به عنوان اوراق قرضه اسلامی به مرحله اجرا نیز رسیده است (صالح آبادی، ۱۳۸۵).

در بررسی فقهی قرارداد استصناع در بازار بورس، اگر چه این عقد، با عقود بیع، سلم، اجاره، جعله با مطلق وعده و مواعده، شباهت‌هایی دارد، ولی در این معامله، سفارش‌پذیر متعهد است با مواد اولیه‌ای که خود تهیه می‌کند، پروژه مورد توافق را تکمیل کرده، آن‌گاه تحویل دهد؛ یعنی به واسطه این معامله عمل و عین هر دو بر ذمه او می‌آید و به ازای آن، سفارش‌دهنده متعهد می‌شود

بخشی از مبالغ را در ابتدا و بخشی را بسته به توافق در زمان‌های دیگر به سفارش‌پذیر بپردازد. به علت تفاوت ماهوی این عقد با سایر عقود در واقع می‌توان آن را به عنوان یک عقد مستقل قلمداد کرد (آیتی و آل بویه، ۱۳۸۹).

در فقه شیعه و سنی، منظور از بیع استصناع (قرارداد سفارش ساخت)، سفارش ساخت کالا براساس توصیف مستصنع به همراه تعیین بها در مقابل تولید کالا و در ظرف مدت مشخص است (نقدی دورباطی و حیدریان، ۱۳۸۹).

بررسی‌ها حاکی از آن است که گرایش بیشتر نهادهای پولی کشور به سمت کار با عقود دارای بازده ثابت است و همان‌گونه که آمار و ارقام منتشر شده در گزارش‌های اقتصادی و ترازنامه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد، بیشترین حجم مبادلات بانک‌ها مربوط به این عقود است. در بسیاری از موارد، عملکرد بانک‌ها حکایت از تبدیل عملیاتی عقود با بازده متغیر به عقود با بازده ثابت دارد. این گرایش‌ها و عملکردهای مبتنی بر این گرایش‌ها مبین این حقیقت است که عملیاتی کردن اوراق استصناع که دارای بازدهی ثابت است، می‌تواند انطباق بیشتری با ساختار عملیاتی و اجرایی حاکم بر کشور داشته باشد. در واقع با عملیاتی شدن استصناع در عرصه بانکداری کشور، تا حدود زیادی از اسم‌های بی‌مسما و عقود بی‌مسما با عملکرد متفاوت از واقعیت، فاصله خواهیم گرفت. به نظر می‌رسد واقعی کردن عقود، رسالتی عظیم برای معتقدان و کارگزاران بانکداری اسلامی تلقی می‌شود. در صورت ورود این عقد به مجموعه عقود، تصویر بهتری از کارکرد قانون عملیات بانکداری بدون ربا نسبت به گذشته به نمایش گذاشته شده و در عین حال شبهه ربوی بودن را در برخی معاملات از بین می‌برد (آیتی و آل بویه، ۱۳۸۹).

با توجه با استفتاهای بعمل آمده از مراجع و فقهای شیعه، بکارگیری استصناع بصورت عقدی غیرمستقل و در چارچوب فقهی عقدهایی نظیر بیع، جعاله و اجاره اشکال شرعی ندارد. اگر استصناع را عقدی مستقل بشماریم و این عقد در قالب عقدهای غیرمصرح در قانون هم باشد، مشروط به این‌که در تنظیم آن شرایط عمومی صحت عقد رعایت شود، بازهم اصل به کارگیری آن با توجه به نظر مراجع و فقها از نظر فقهی با مشکل خاصی روبرو نخواهد بود. (کمیحانی و نظریور، ۱۳۸۷).

نظریور در مطالعه‌ای بیان می‌دارد که عقد استصناع قرارداد سفارش ساخت کالای خاص یا اجرای طرحی با ویژگی‌های مشخص در آینده است که بین دو شخص، اعم از حقیقی و حقوقی منعقد می‌شود به گونه‌ای که سفارش‌گیرنده (صانع) متعهد می‌شود موضوع قرارداد را با مواد اولیه‌ای که خود تدارک می‌بیند تولید یا اجرا کند و سفارش‌دهنده (مستصنع) نیز متعهد می‌شود مبالغ کالا یا طرح مورد نظر که بخشی می‌تواند نقد و بخشی نیز به صورت اقساطی باشد، را در زمان توافق شده در مقابل تحویل موضوع قرارداد به سفارش‌گیرنده بپردازد (نظریور، ۱۳۹۰).

تبیین ماهیت فقهی و احکام مربوط به عقد استصناع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اگرچه مردم و موسسات خصوصی و دولتی در فعالیتهای اقتصادی خود به صورت روزمره از این عقد استفاده می‌کنند، ولی این عقد در مجموعه عقود که در کتب فقهی شیعه در قالب فقه المعاملات بررسی می‌شود، وجود ندارد. بی‌تردید، فقه اسلامی در بررسی و تحقیق این معامله نظیر هر معامله دیگر از توانمندی بسیار بالایی برخوردار است و می‌تواند جنبه‌های گوناگون آن را نظیر مشروعیت یا عدم مشروعیت، جواز یا لزوم و دیگر احکام شرایط آن را با استفاده از ادله فقهی و اجتهادی به خوبی استخراج کند (نظریور، ۱۳۹۰).

## ۲- مبانی نظری

در بانکداری متعارف سپرده‌گذاران صرف نظر از سودآوری و زیان‌بار بودن عملیات بانکی، هیچ مسئولیتی در قبال فعالیتهای بانک ندارند و بانکدار متعهد است در هر وضعیتی اصل سپرده و بهره آن را در موعد مقرر به سپرده‌گذار پرداخت نماید. در اعطای وام نیز، وقتی بانک وام می‌دهد، رابطه مالکیت خود را از آن وام قطع کرده و به مالکیت متقاضی در می‌آورد و او متعهد می‌شود در سررسیدهای معین، اصل و بهره‌های آن را به بانک بازگرداند. نظام بانکی ربوی سعی کرده است که صنعت بانکداری را از درگیری با اقتصاد حقیقی دور کند، به طوری که در اکثر کشورها، بانک‌ها از سرمایه‌گذاری مستقیم در فعالیتهای اقتصادی، خرید سهام شرکت‌ها، حتی خرید اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام منع شده‌اند. این در حالی است که با حذف سیستم بهره و بانکداری مبتنی بر آن، ماهیت بانکداری متحول می‌شود و بانک تنها دیگر به عنوان یک موسسه گردش وجوه نبوده و سپرده‌گذاران، بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی دیگر به صورت عناصری مجزا از هم نمی‌باشند. سود و زیان بانک‌ها و به دنبال آن سود و زیان سپرده‌گذاران بستگی به عملکرد و فعالیت بنگاه‌ها دارد. پس در ساختار غیرربوی علاوه بر آن که بانک‌ها و مردم به یکدیگر متعهد بوده و مسئولیت دارند، بانک‌ها در چرخه اقتصادی نیز فعالیت داشته تا بتوانند پاسخگوی سپرده‌گذاران باشند. تفاوت اصلی بین بانکداری ربوی و غیر ربوی عمدتاً در مسئله تجهیز منابع و اعطای تسهیلات می‌باشد که روش‌های تجهیز منابع در بانکداری بدون ربا عموماً عبارت از سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری، سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز و سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار می‌باشد (بخشی دستجردی، ۱۳۸۹).

## ۲-۱- تأمین مالی اسلامی

مفهوم اصلی تأمین مالی اسلامی ممنوعیت دریافت و پرداخت ربا یا بهره می‌باشد، چنان‌که در قرآن این کار از شراب‌خواری و زنا هم بدتر خوانده شده است. تأمین مالی اسلامی بر مبنای دارایی است و ریسک نیز باید تسهیم شود. علاوه بر ربا، غش یا فریب در معامله، قمار، و کارهای حرام مثل

سرمایه‌گذاری در صنایع تولید مشروبات الکلی توسط شریعت ممنوع شده است. راه‌های گوناگونی برای کسب درآمد در امور مالی طبق اصول اسلامی وجود دارد که سرمایه‌گذاری در سهام، شاید بهترین آن‌ها و نیز راه‌هایی برای تأمین مالی اسلامی وجود دارد که صکوک یا اوراق قرضه اسلامی شناخته شده ترین نوع آن است (کمیحانی و نظریور، ۱۳۸۷).

## ۲-۲- مسائل پیش روی تأمین مالی اسلامی :

اگرچه همه کشورهای اسلامی پذیرای تأمین مالی اسلامی نیستند، ولی اکثر آن‌ها از این سیستم استفاده می‌کنند. با این وجود در برخی از کشورهای اسلامی محدودیت‌هایی برای این سیستم بانکداری بوجود آمده است. به طور مثال دولت مصر از ترس گسترش بنیادگرایی اسلامی، کنترل قابل توجهی بر بانک‌های اسلامی اعمال کرده است و این امر مانع توسعه بانکداری اسلامی در این کشور گردیده است. دولت مراکش نیز به دلایل مشابه، مخالف کار بانک‌های اسلامی است. در بعضی کشورها مانند هند و نیجریه، درگیری بین مسلمانان و غیر مسلمانان به عنوان یک معضل قلمداد می‌گردد، لذا تاکنون بانکداری اسلامی اجازه پیشرفت پیدا نکرده است. موضوع دیگری که تأمین مالی اسلامی با آن روبرو می‌شود، نگرانی از ارتباط بعضی بانک‌ها در برخی از موارد با گروه‌های تروریستی است (نقدی دورباطی و حیدریان، ۱۳۸۹).

بانکداری اسلامی در نتیجه تفاسیر مختلف مسلمانان از اسلام نیز مشکل دارد. تفاسیر مختلف از آن‌چه در شرع جایز است، نتیجه وجود شاخه‌ها و مذاهب فکری مختلفی است. علاوه بر مشکلات سازگاری و مشروع بودن، مشکلاتی چون نبود استاندارد، محدود بودن تعداد ابزارهای مالی مجاز تحت پوشش شرع، کمبود دانش پژوهان واجد شرایط برای ارزیابی سرمایه‌گذاری‌های پیشنهادی، ممنوعیت‌های ناشی از عدم کفایت نقدینگی، عدم تنوع دارایی‌ها و عدم وجود اختیارات نظارتی یکپارچه، به چشم می‌خورد (آیتی و آل بویه، ۱۳۸۹).

از آن‌جا که تعریف دارایی‌های بلندمدت و نظام مالی مبتنی بر این دارایی‌ها ضروری می‌باشد، ممکن است در تأمین نقدینگی سیستم مالی اسلامی مشکلاتی به وجود آید. ترازهای پولی مثبت به موسسات مالی، توان نقدینگی می‌دهد. این در حالی است که نظام بازار پول طبیعتش مبتنی بر نرخ بهره است. علاوه بر این، با محدود کردن منابع مالی در دسترس برای هر فرد یا سازمان، تأمین منابع مالی کاهش می‌یابد و هزینه تأمین سرمایه و سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد (نجفی، ج ۲۳، ۱۹۸۱).

اگر سرمایه‌گذاران به همه بازارهای مالی دسترسی داشته باشند هزینه سرمایه کمتر از زمانی خواهد بود که در عرصه محدودتری فعالیت می‌کنند. به همین ترتیب با محدود کردن سرمایه‌گذاری‌های ممکنه، به دلیل محدودیت‌های شرع سطح تنوع کاهش یافته و خطر کاهش

سرمایه‌گذاری ناشی از محدود شدن راه‌های تأمین مالی را به دنبال دارد. محدود کردن منابع دارایی فقط به آن‌هایی که مطابق شرع می‌باشند و محدود کردن تنوع ابزار مالی، انتخاب‌های کمتر، فرصت سرمایه‌داری مربوط به دارایی‌ها را در اوراق قرضه کاهش می‌دهد. تنوع کمتر، به طور کلی با خطر بیشتری همراه است (موسویان، ۱۳۹۰).

یکی از جایگزینی‌های سرمایه‌گذاری که به طور کلی در تأمین مالی سرمایه‌گذاری وجود ندارد، بازار اوراق قرضه مشتقه است. شرع سفته بازی را ممنوع کرده است و استفاده از اوراق قرضه مشتقه و سایر ابزار مالی که مبتنی بر دارایی نیستند را زیر سوال می‌برد. در حالی که تلاش‌هایی برای شکل‌گیری و انتشار اوراق قرضه مشتقه منطبق بر شرع، به وسیله سوآپ‌های بین‌المللی در حال انجام است<sup>۱</sup>، تفسیر قوانین اسلامی در مورد سفته بازی این کار را دشوار و جنجالی می‌سازد. مشکلی که در تأمین مالی اسلامی وجود دارد این است که تعداد افراد واجد شرایط که بتوانند برای ابزارهای مالی اسلامی اجازه صادر کنند بسیار کم می‌باشد. برآوردها حاکی از آن است که کمتر از بیست نفر واجد شرایط برای انجام چنین قضاوت‌هایی، با توجه به نیاز گسترده با آگاهی از قوانین اسلامی، آموزش در امور پیشرفته و مهارت زبان وجود دارد (هیبتی و احمدی، ۱۳۸۸).

## ۲-۳- مفاهیم عقود سه‌گانه

### ۲-۳-۱- تعریف استصناع

استصناع قرارداد سفارش ساخت بین دو شخص اعم از حقیقی و حقوقی مبنی بر تولید کالایی خاص یا اجرای پروژه‌ای با ویژگی‌های مشخص در آینده است که سفارش‌گیرنده در ازای گرفتن مبالغ آن در زمان‌های توافق شده که بخشی از آن می‌تواند به صورت نقدی و بخشی از آن به صورت اقساط به تناسب پیشرفت فیزیکی کار باشد، متعهد می‌شود، مواد اولیه و کالاهای مورد نیاز پروژه را خود تهیه کند و در زمان مشخص، کالا یا پروژه مورد نظر را به سفارش‌دهنده تحویل دهد. عمل و عین بر ذمه سفارش‌گیرنده مستقر می‌شود (نظرپور، ۱۳۸۵).

گرچه عقد استصناع عقدی مستحدث نیست و از گذشته‌های دور وجود داشته است، ولی در ماهیت آن اتفاق نظر وجود ندارد. مذاهب مالکی و شافعی از مذاهب اهل سنت عمدتاً بر این عقد در قالب عقد سلم (و نه بیع یا عقدی مستقل) با حفظ همه شرایط و ویژگی‌های آن صحه گذاشته و فقط مذهب حنبلی آن را به عنوان بیعی مستقل از سلم و دیگر عقود مورد تأیید قرار داده است. پس از قرار مجمع فقهی سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۴۱۲ ه.ق مبنی بر فعال شدن و استقلال عقد استصناع، به دلیل اهمیت و گستره کاربرد آن تقریباً در همه کشورهای اسلامی با

1. Jobst & Sole (2012) , Jobst (2009) & Flynn (2008).



مذاهب مختلف فقهی، مورد استفاده قرار گرفته و علمای اسلامی نیز آن را قبول دارند (نظرپور، ۱۳۸۵).

گر چه غیر از شیخ طوسی و ابن حمزه و ابن سعید حلی آن هم بصورتی بسیار مختصر، بقیه فقهای متقدم امامیه، به استصناع نپرداخته‌اند، ولی فقهای متأخر به برخی از جوانب این عقد توجه کرده‌اند. در مجموع، فقهای امامیه در قالب عقد سلم با حفظ همه شرایط آن، در قالب عقدی مرکب از وکالت و اجاره، در قالب بیع شخصی و معین، در قالب بیع شخصی به صورت کلی و معین، در قالب بیع کلی و لازم‌الوفاء، در قالب عقدی مرکب از عقد مستقل و لازم‌الوفاء و بیع و در قالب عقدی عرفی مستقل لازم‌الوفاء بر آن صحه گذاشته‌اند (نظرپور، ۱۳۸۵).

گر چه عقد استصناع شباهت‌هایی با عقد سلم، اجاره، بیع و جعله دارد و می‌توان آن را در این قالب‌ها انشاء کرد، ولی آن چه در قالب استصناع به معنای اصطلاحی آن در عرف عقلا، میان مردم انشا می‌شود، عقدی متمایز از دیگر عقود است. از آن جا که این عقد نه تنها مخالفتی با کتاب و سنت ندارد، بلکه سیره متشرعه با آن همراهی داشته و مشمول قاعده (أوفوا بالعقود) می‌شود، از مشروعیت لازم برخوردار است. از این رو، می‌توان این قرارداد را در قالب بیع مستقل و یا عقدی مستقل منعقد ساخت (نظرپور، ۱۳۸۵).

امروزه عقد استصناع به شیوه‌های گوناگون و به صورت وسیعی در میان مردم رواج پیدا کرده است. این شیوع به گونه‌ای است که با پیمانکاران یا شرکت‌های پیمانکاری برای احداث مجموعه‌های عظیم ساختمان‌های مسکونی، اداری و تجاری، مدارس، بیمارستان‌ها، راه‌ها و حتی مساجد قراردادهایی منعقد می‌شود که تقریباً در هیچ موردی تمام مبلغ قرارداد در مجلس قرارداد پرداخت نمی‌شود و این مسئله به یک امر عادی و متعارف در همه مناطق تبدیل شده است و در این زمینه تفاوتی بین متشرعین و غیر آن‌ها نیز مشاهده نمی‌شود (نظرپور، ۱۳۸۵).

گرچه عقد استصناع از گذشته‌های دور وجود داشته و فقها نیز به تبیین ماهیت فقهی و حقوقی آن پرداخته‌اند، ولی همچنان در مورد آن اتفاق نظر وجود ندارد. شایان ذکر است که عالمان اهل سنت در قالب عقد استصناع به جنبه‌های گوناگون آن پرداخته‌اند، ولی در کتاب‌های فقهی شیعه به گستردگی کتب فقهی اهل سنت به این موضوع پرداخته نشده است. در هر صورت با توجه به گستردگی عقد استصناع در وضعیت کنونی جامعه و نیاز به واقعی‌تر کردن عقود بانکی و اوراق منتشره به وسیله دولت و بانک مرکزی و یا گسترده و فراگیر ساختن آن‌ها، بررسی دقیق فقهی، حقوقی عقد استصناع و چگونگی امکان استفاده از آن در عرصه فعالیت‌های اقتصادی در سطح خرد و کلان ضرورت دارد (نظرپور، ۱۳۸۵).

امروزه شمول قرارداد استصناع بسیار بیشتر از گذشته است و منحصر به سفارش ساخت چکمه و کفش و ظرف‌های چوبی نیست بلکه گاه به خلق اثری هنری مانند نقاشی و خطاطی و گاه به سفارش ساخت مصنوعات گرانبها همچون ساخت هواپیما و کشتی و سایر کالاهای قابل تجارت در عرصه بین‌الملل نیز تعلق می‌گیرد. (موسویان، ۱۳۹۲).

عدم قبض ثمن در مجلس پیش از تفرق در بیع سلم منجر به بیع دین به دین نخواهد شد و از این رو دو بیع سلم و استصناع به شکلی یک نوع هستند. قبض ثمن قبل از تفرق در استصناع الزامی نیست بلکه گاهی تمام‌بهای کالا از همان ابتدا به صنیع پرداخت می‌شود و گاه قسمتی از قیمت، پیش از اتمام کار به صنیع پرداخت می‌گردد و گاهی نیز قیمت، همگام با پیشرفت کار به صورت بخش به بخش به صنیع پرداخت خواهد شد. با توجه به این‌که روش‌های بالا در میان جوامع، متعارف بوده است و امری غیرعقلایی نیست، از نظر شریعت نیز مورد تأیید بوده است و اشکالی در صحت قرارداد ایجاد نخواهد کرد (موسویان، ۱۳۹۲).

یکی دیگر از ضرورت‌های استفاده از عقد استصناع عدم توجه قانون به نیازهای واقعی مردم برای دریافت تسهیلات از بانک‌ها است. برای رفع این مشکل، کارگزاران بانکی با استناد به عقدهای موجود در قانون، به تأمین نیازهای گوناگون مردم می‌پردازند. این اجتهادها سبب می‌شود تا روح و ضوابط حاکم بر عقدها به فراموشی سپرده شود. بانک‌ها می‌توانند برخی از خلأهای موجود در تخصیص منابع را با استفاده از عقد استصناع به گونه‌ای مناسب‌تر پر کنند. افزون بر این در برخی از موارد که تسهیلاتی در قالب سلم، مشارکت مدنی و جعاله پرداخت می‌شود، عقد استصناع به صورت عقد جایگزین کارایی بهتری دارد (موسویان، ۱۳۹۲).

بانک‌ها می‌توانند با انعقاد عقد استصناع به صورت مستقیم یا غیر مستقیم نیازهای واقعی متقاضیان را برآورده سازند. از آن‌جا که درگیر کردن بانک‌ها در مسائل اجرایی و عملیاتی تولید کالا یا احداث طرح‌های گوناگون با همه گستردگی آن به صلاح نیست و یا ممکن است امکانات لازم و مورد نیاز برای انعقاد قرارداد مستقیم استصناع با متقاضیان موجود نباشد، ترجیح دارد که بانک‌ها از عقدهای غیرمستقیم استصناع استفاده کرده و خود مانند واسطه‌ای برای تأمین وجوه مورد نیاز متقاضیان در جهت گسترش بخش حقیقی اقتصاد و کمک به سازندگان و پیمانکاران، خدمات شایسته‌ای ارائه کنند (موسویان، ۱۳۹۲).

از آن‌جا که ماهیت و شروط قرارداد استصناع مخالفتی با کتاب و سنت ندارد و صدق عقد نیز بر این قرارداد بلامانع است، می‌تواند مضمول قاعده "أوفوا بالعقود" باشد. همان‌گونه که توضیح داده شد، متأسفانه در کتاب‌های علمای شیعه بحث گسترده‌ای درباره استصناع مشاهده نمی‌شود؛ ولی فقهای اهل سنت این بحث را بسیار گسترده تعقیب کرده‌اند. گر چه فقهای امامیه در سال‌های اخیر

بحث‌های زیادی در این زمینه داشته‌اند، ولی بسیاری از جنبه‌های آن هنوز دارای ابهام است. لذا به نظر می‌رسد استمرار تلاش علمی در این زمینه اهمیت به سزایی داشته باشد (موسویان، ۱۳۹۲).

عقد استصناع در عرصه‌های گوناگون تأمین مالی پروژه‌های کوچک و بزرگ، در بخش‌های مختلف اقتصادی کاربرد فراوان دارد و در برخی از کشورهای اسلامی در لایه‌های گوناگون نظام بانکی نفوذ کرده است؛ از این رو لازم است با بررسی دقیق تجربیات کشورهای گوناگون، به قانونی و عملیاتی کردن این اوراق در اقتصاد کشور همت گمارد (موسویان، ۱۳۹۲).

اوراق استصناع، پیشنهادی مکمل برای اوراق مشارکت بخش خصوصی و دولتی در عرصه تأمین مالی طرح‌ها و پروژه‌های مالی است و جایگزین اوراق مشارکت نیست. به علت بازده ثابت اوراق استصناع در مقابل بازده متغیر اوراق مشارکت، افراد ریسک‌گریز متقاضی آن هستند. ایجاد چنین شرایطی سبب می‌شود، قشرهایی از جامعه، مرکب از افراد ریسک‌گریز و ریسک‌پذیر در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی به نحو شایسته‌ای با هم سهیم شوند. البته این در صورتی است که اوراق مشارکت به معنای واقعی خود وجود داشته باشد و مشارکت‌کنندگان به صورتی واقعی در سود مشارکت، شریک باشند (موسویان، ۱۳۹۲).

### ۲-۳-۱- انواع عقد استصناع :

**الف- عقد مستقیم:** وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌هایی که خواهان اجرای طرح‌ها در سطح ملی یا منطقه‌ای هستند، اما اعتبار برای اجرای این طرح‌ها در زمان حاضر ندارند و همچنین بانک‌های تجاری، تخصصی و موسسه‌های پولی و اعتباری که تمایل به اجرای پروژه‌های گوناگون دارند می‌توانند با شخصیت‌های حقیقی و حقوقی به عنوان پیمانکار برای سفارش ساخت طرح، قرارداد استصناع ببندند.

**ب- عقد غیرمستقیم:** در این حالت طرح‌های بزرگ به طرح‌های کوچک‌تر تبدیل می‌شود و پیمانکار جزء که نمی‌تواند با وزارت‌خانه یا بانک‌های تجاری عقد قرارداد داشته و توان فروش سهام و جذب سرمایه را در بازار ثانویه ندارد، می‌تواند بخشی از مبلغ را به صورت اوراق به بانک داده و در این صورت بانک خود به عنوان پیمانکار تلقی می‌گردد (نظرپور، ۱۳۸۴).

### ۲-۳-۲- شرایط فقهی اوراق استصناع :

عقد استصناع اگر مصداقی از بیع سلم باشد و مدت‌دار نباشد و کل مبلغ دریافت شود، نمی‌تواند به عنوان ابزار سیاست پولی و عملیات بازار باز مورد استفاده قرار گیرد، چرا که اوراق استصناع ورقه دارای سررسید مشخص در آینده می‌باشد. این در حالی است که در باب جعاله پرداخت مبلغ در زمان عقد قرارداد الزامی نیست و اگر عقد جدا از سایر عقود باشد، در این صورت همه شرایطی که

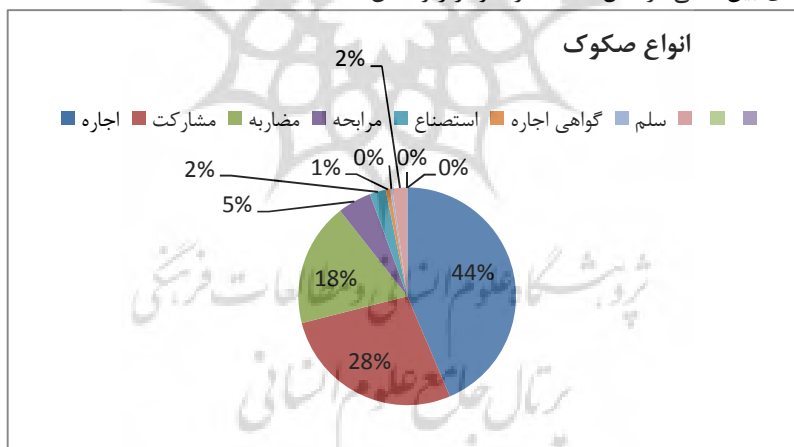
عرف عقد در معاملات دارد به همان صورت تصحیح می‌گردد. پس باید قابلیت و کارایی لازم را داشته باشد. لذا این اوراق جایگزین اوراق مشارکت نبوده بلکه مکمل آنهاست (نظرپور، ۱۳۸۴).

### ۲-۳-۳- ویژگی‌های اوراق استصناع:

- ۱- اوراق استصناع به دلیل داشتن بازدهی ثابت و مشخص، هم برای دوره‌های کوتاه‌مدت و هم بلندمدت مناسب است، اما برای دوره‌های کوتاه‌مدت مناسب‌تر می‌باشد.
- ۲- از آنجایی که این اوراق براساس اصول حسابداری (بدهکار و بستانکار) ثبت می‌گردد، بنابراین کار با آن‌ها سهل است.
- ۳- شیوه‌ای مناسب در تامین کسری بودجه دولت است و به عنوان ابزار سیاست مالی نیز کاربرد دارد.
- ۴- به دلیل بازدهی ثابت و ریسکی نبودن، سود انتظاری این اوراق نسبت به اوراق مشارکت کمتر است.
- ۵- بکارگیری این اوراق مطابق نظر فقها بوده و قابلیت استفاده در قانون عملیات بانکی بدون ربا را دارد (نظرپور، ۱۳۸۴).

### ۲-۳-۴- تجارب انتشار بین‌المللی صکوک استصناع:

با توجه به انتشار صکوک استصناع در بازارهای بین‌المللی توسط بسیاری از کشورها، می‌توان تا حدودی از تجربیات آن‌ها بهره جست. حجم انتشار انواع صکوک و سهم صکوک استصناع در بازارهای بین‌المللی در سال ۲۰۱۵ در نمودار زیر نشان داده شده است:



منبع: بانک توسعه اسلامی (۲۰۱۵)

**۲-۴- تعریف مرابحه****۲-۴-۱- مرابحه در قانون عملیات بانکی بدون ربا**

مرابحه یکی از انواع بیع می‌باشد که از زمان‌های قدیم بین مردم رایج بوده و مقصود از آن بیعی است که قیمت تمام شده کالا شامل قیمت خرید، هزینه‌های حمل و نقل و نگهداری و دیگر هزینه‌های مرتبط توسط فروشنده به اطلاع مشتری رسانده شده و سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود می‌کند. (نظریور، ۱۳۸۵). تا سال ۱۳۸۹ تنها نوع خاصی از قرارداد مرابحه در قالب فروش اقساطی در قانون عملیات بانکداری بدون ربا در ایران وجود داشت. در این سال و با تصویب قانون برنامه پنجم توسعه، انواع قراردادهای مرابحه، خرید دین و استصناع به فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا اضافه شد. پیرو آن هیئت وزیران با پیشنهاد بانک مرکزی و به استناد ماده ۹۸ قانون برنامه پنج ساله توسعه مصوب ۱۳۸۹، آیین نامه قرارداد مرابحه را به شرح زیر ابلاغ کرد:

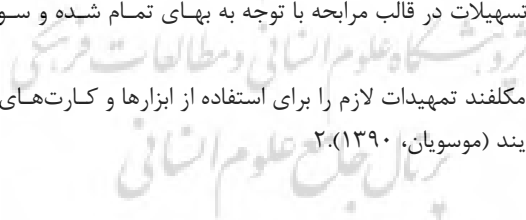
ماده ۸۱- مرابحه قراردادی است که به موجب آن عرضه‌کننده، بهای تمام شده اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می‌رساند سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود، آن را به صورت نقدی، نسبیه دفعی یا اقساطی، به اقساط مساوی یا غیر مساوی در سررسید یا سررسیدهای معین به متقاضی واگذار می‌کند.

ماده ۸۲- بانک‌ها می‌توانند به منظور رفع نیازهای واحدهای تولیدی، خدماتی و بازرگانی برای تهیه مواد اولیه، لوازم یدکی، ابزارکار، ماشین‌آلات، تأسیسات، زمین و سایر کالاها و خدمات مورد احتیاج این واحدها و نیازهای خانوارها برای تهیه مسکن، کالاهای بادوام و مصرفی و خدمات به سفارش و درخواست متقاضی مبادرت به تهیه و تملک این اموال و خدمات نموده و سپس آن را در قالب مرابحه به متقاضی واگذار نماید.

ماده ۸۳- بانک‌ها مکلفند قبل از انعقاد مرابحه اطمینان حاصل نمایند که اصل منابع و سود متعلقه در طول مدت قرارداد، قابل برگشت می‌باشد.

ماده ۸۴- اعطای تسهیلات در قالب مرابحه با توجه به بهای تمام شده و سود بانک تعیین خواهد شد.

ماده ۸۵- بانک‌ها مکلفند تمهیدات لازم را برای استفاده از ابزارها و کارت‌های الکترونیکی در قالب مرابحه فراهم نمایند (موسویان، ۱۳۹۰). ۲.



**۲-۴-۲- ریسک‌های قرارداد مراهجه:**

اجرای درست قرارداد مراهجه به این معنی که ابتدا بانک کالایی را خریداری و تملک کند، سپس اقدام به فروش آن کالا نماید، همراه با مخاطرات و ریسک‌هایی است که بایستی مدیریت شوند. مهم‌ترین این ریسک‌ها عبارتند از:

**۲-۴-۲-۱- ریسک انصراف مشتری از خرید کالا:**

ممکن مشتری سفارش خرید کالایی را به بانک بدهد و بانک براساس سفارش او اقدام به خرید و تملک کالا کند، ولی مشتری در این فاصله از خرید کالا انصراف دهد. در این فرض کالای خریداری شده روی دست بانک می‌ماند و چه بسا فروشنده اولیه حاضر به پس گرفتن آن نباشد، در نتیجه، بانک مجبور شود با تحمل خسارتی کالا را بفروشد (موسویان ۱۳۹۰).

**۲-۴-۲-۲- ریسک کاهش قیمت کالا:**

ممکن است مشتری سفارش خرید کالایی را به بانک بدهد و بانک براساس سفارش او اقدام به خرید و تملک کالا کند، لکن تا مشتری اقدام به خرید کند قیمت کالا در بازار کاهش پیدا کند و مشتری حاضر نباشد به قیمت خرید با بانک قرارداد مراهجه منعقد نماید (موسویان ۱۳۹۰).

**۲-۴-۲-۳- ریسک اتلاف کالا:**

ممکن است مشتری سفارش خرید کالایی را به بانک بدهد و بانک براساس سفارش او اقدام به خرید و تملک کالا کند، ولی تا مشتری اقدام به خرید کالا کند، کالا سرقت شود یا عیب پیدا کند و مشتری حاضر به خرید کالا نباشد. در این فرض نیز با توجه به قاعده فقهی که می‌گوید هر نوع تلف مبیع پیش از قبض، به عهده فروشنده است، بانک وارد ریسک ناخواسته‌ای می‌شود (موسویان ۱۳۹۰).

**۲-۴-۲-۳- شیوه‌های اجرای قرارداد مراهجه:**

برای این‌که از یک‌سو قرارداد مراهجه درست اجرا شود و از سوی دیگر بانک‌ها با مخاطرات و ریسک‌های پیش گفته مواجه نشوند می‌توان از شیوه‌های زیر استفاده کرد:

**۲-۴-۲-۱- انعقاد قرارداد مراهجه سه جانبه:**

در مواردی که موضوع قرارداد مراهجه، کالاهایی با قیمت زیاد مانند خرید و فروش زمین، ساختمان، تأسیسات، خط تولید، کشتی، هواپیما است، پس از انجام تشریفات تعیین کالا و شناسایی فروشنده اصلی و توافق روی قیمت و نرخ سود، از فروشنده اصلی و مشتری بانک دعوت می‌شود در موعد مشخص در بانک حاضر شده و قرارداد خرید بانک و فروش مراهجه در یک مجلس و بدون فاصله منعقد گردد. در این حالت بانک از یک‌سو کالای مورد نظر را خریداری کرده و از سوی دیگر آن را می‌فروشد (موسویان، ۱۳۹۰).

**۲-۴-۳-۲- وکالت برای خرید با حق فسخ برای بانک:**

در مواردی که موضوع قرارداد مباحه خرید کالاهای با قیمت کم مانند لوازم خانگی، مصالح ساختمانی یا خدمات مصرفی است، پس از انجام تشریفات تعیین کالا و شناسایی فروشنده اصلی و توافق روی قیمت و نرخ سود، بانک به مشتری وکالت می‌دهد تا کالای مدنظر را برای بانک خریداری کند و در ضمن قرارداد به بانک حق فسخ قرار دهد، سپس سراغ بانک بیاید تا بانک کالا را به مشتری بفروشد. بانک با فروش کالا به مشتری، از طریق همان مشتری قیمت خرید را طی چک به فروشنده اولیه می‌رساند و مشتری با تحویل چک به فروشنده، کالایی را که حالا مال خودش شده است، از فروشنده تحویل می‌گیرد (موسویان، ۱۳۹۰).

**۲-۵-۲- تعریف خرید دین:**

خرید دین قراردادی است که به موجب آن دین مدت‌دار بدهکار به کمتر از مبلغ اسمی آن به صورت نقدی از داین خریداری می‌شود. خرید دین می‌تواند توسط مدیون یا شخص ثالث صورت گیرد (ملاکریمی، ۱۳۹۰).

**۲-۵-۱- ارکان خرید دین:**

**الف- طرفین قرارداد:** اگر دین مدت‌دار بدهکار، توسط مدیون خریداری شود، قرارداد بین مدیون (بایع) و داین (مشتری) منعقد می‌شود، اما در صورتی که دین توسط شخص ثالث خریداری شود، شخص ثالث نقش بایع و داین نقش مشتری را در قرارداد ایفا می‌نماید.

**ب- ایجاب و قبول:** این قرارداد نظیر تمام قراردادهای دیگر می‌تواند با لفظ نوشتار یا عملی حاکی از اراده و رضایت طرفین قرارداد به انجام این کار منعقد شود.

**ج- عوضین:** در این قرارداد، مبیع همان بدهی مدت‌دار بدهکار است و ثمن، مبلغی است که توسط بایع (مدیون یا شخص ثالث) در ازای خرید دین پرداخت می‌شود (ملاکریمی، ۱۳۹۰).

**۲-۶- آثار اقتصادی عقود سه‌گانه**

از آنجایی که در عقد استصناع با بخش حقیقی اقتصاد سر و کار داریم و کالایی ساخته یا طرحی احداث می‌شود و امکان پرداخت مرحله‌ای مبالغ کالا و یا طرح در زمان‌های توافقی فراهم می‌شود، می‌توان انتظار داشت که اگر در حجم وسیعی از این قرارداد استفاده شود موجبات گسترش تولید و مبادله کالا در بخش واقعی اقتصاد و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی کشور فراهم شود. تجربه موفق بانک‌های اسلامی در کشورهای مختلف و با مذاهب گوناگون در زمینه به کارگیری گسترده و وسیع عقد استصناع، راهنما و الگوی خوبی برای بانک‌های داخلی جهت استفاده از این عقد می‌باشد (کمیحانی و نظرپور، ۱۳۸۷).

انتشار اوراق استصناع در کنار اوراق مشارکت و به عنوان مکملی برای آن و به منظور ایجاد تنوع در بازارهای مالی، می‌تواند شرایط سرمایه‌گذاری و تأمین مالی کوتاه و بلند مدت طرح‌های عمرانی بخش دولتی و بخش خصوصی را تسهیل کرده، شرایط جذب نقدینگی طیف‌های خطرگریز مردم را فراهم سازد و اندوخته‌های مالی مورد نیاز موسسه‌های اقتصادی را گسترده‌تر و عمیق‌تر نماید. تأمین مالی کسری بودجه دولت از راه انتشار اوراق استصناع مناسب‌تر از تأمین این کسری از راه استقراض از بانک دولتی یا افزایش قیمت نفت است (نقدی دورباطی و حیدریان، ۱۳۸۹).

بانک‌ها می‌توانند در چارچوب عقد استصناع اقدام به تأمین مالی طرح‌های خصوصی، دولتی و عمومی غیردولتی نمایند و در جایگاه واسطه بین شرکت‌های بزرگ و صاحبان صنایع قرار گیرند. این اقدام از یک سو به توسعه تأسیسات زیربنایی و تولید و گسترش خدمات اجتماعی و عمومی و تشویق بیشتر بخش خصوصی به فعالیت‌های اقتصادی سودمند خواهد انجامید و از سوی دیگر با بکارگیری عقد استصناع متناسب با شرایط و موقعیت اقتصادی، سود مناسبی عاید بانک خواهد شد. از آن جا که سازندگان و صنعت‌گران در چارچوب قرارداد استصناع، کالاهایی را تولید می‌کنند که پیشاپیش سفارش آن را دریافت کرده‌اند با انگیزه، شجاعت و جرأت بیشتری می‌توانند به تولید و ارائه کالاهای مورد نظر همت گمارند و از نااطمینانی درباره آینده اقتصاد مصون بمانند که این خود می‌تواند زمینه‌های پیشرفت و گسترش کمی و کیفی آنان را به دنبال داشته باشد. گسترش زمینه‌های انتشار اوراق استصناع، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی پروژه‌های بخش دولتی (به ویژه هنگام کسری بودجه) و تأمین مالی پروژه‌های بخش خصوصی را سهل‌تر می‌کند، زیرا فروش این اوراق به مردم، شرایط جذب نقدینگی مردم را جهت هدایت به سرمایه‌گذاری گسترده، بیشتر و بیشتر کرده و تجمع سرمایه‌های کوچک مردمی می‌تواند منابع مالی مورد نیاز موسسات مالی و سرمایه‌گذاری را تأمین نماید (موسویان، ۱۳۸۸).

از آن جا که اوراق مرابحه براساس سود برای صاحبان اوراق طراحی می‌شود، لذا این اوراق جزء ابزارهای مالی انتفاعی به شمار می‌آید و نرخ سود آن، چه در بازار اولیه و چه در بازار ثانویه، از قبل تعیین شده است. با توجه به امکان شکل‌گیری بازار ثانویه برای اوراق مرابحه، انتظار می‌رود که این اوراق از ویژگی نقدشوندگی بالا برخوردار باشند. اگر بازار اولیه و ثانویه اوراق، به صورت رقابتی و سالم اداره شوند، نرخ بازدهی اوراق به سمت نرخ بازدهی سرمایه در بخش واقعی سوق پیدا می‌کند و به توزیع عادلانه درآمد بین عوامل تولید کمک می‌کند. اما اگر اوراق، محدود و به صورت غیررقابتی باشد، انتظار می‌رود به دلیل بالا بودن قدرت چانه زنی صاحب‌سرمایه، نرخ بازده اوراق بیشتر از ارزش افزوده آن‌ها باشد. از این رو تنوع بیشتر اوراق مرابحه، بازار اولیه و ثانویه این اوراق را به سمت رقابت و کارایی بالا سوق خواهد داد. اوراق مرابحه می‌توانند کارکردهای گوناگونی داشته



باشند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: تأمین مالی دولت، موسسات وابسته به دولت و بنگاه‌های اقتصادی، تأمین نقدینگی مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی، تبدیل مطالبات حاصل از تسهیلات فروش اقساطی بانک‌ها و شرکت‌های لیزینگ به اوراق بهادار و تأمین سرمایه بلندمدت شرکت‌های تجاری، بازرگانی و ابزاری برای اعمال سیاست پولی از طریق عملیات بازار باز به وسیله خرید و فروش اوراق مرابحه دولتی (موسویان، ۱۳۸۶).

استفاده از ابزار خرید دین در شرایط رکودی بسیار کار گشا است؛ چرا که بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی اجناس خود را به صورت مدت‌دار فروخته‌اند. این بنگاه‌ها اسناد طلب مدت‌دار در اختیار دارند و همزمان از کمبود نقدینگی رنج می‌برند، پس عقد خرید دین می‌تواند آثار مطلوبی به دنبال داشته باشد. استفاده از عقد خرید دین در نظام بانکی به منظور به جریان انداختن منابع کوتاه‌مدت و تشویق بنگاه‌های اقتصادی به تبدیل اسناد مدت‌دار به نقدینگی، می‌تواند بسیار اثربخش باشد.

### نتیجه‌گیری

یکی از گام‌های اساسی در زمینه تحقق و توسعه نظام بانکی بدون ربا، استفاده از ابزارهای جدید و منطبق بر شریعت می‌باشد. ابزارهای جدید اسلامی علاوه بر حل مشکلات فعالان بخش‌های مختلف اقتصادی، می‌تواند منجر به توسعه و گسترش بازارهای مالی اسلامی گردد. عقود سه‌گانه استصناع، خرید دین و مرابحه از جمله ابزارهای جدیدی است که براساس ماده ۸۹ قانون برنامه پنجم به عقود مجاز در قانون بانکداری بدون ربا در ایران اضافه شده است. استصناع یا قرارداد ساخت، قراردادی است بین دو شخص حقیقی یا حقوقی، بر مبنای تولید کالای خاص یا ایجاد طرحی ویژه که در آینده ساخته و قیمت آن نیز در زمان‌های توافق شده به صورت نقدی یا اقساط پرداخت می‌شود. از نظر فقهی استصناع به عنوان عقد مستقل یا در قالب بیع، اجاره، جعاله و صلح صحیح است. خرید دین نیز قراردادی است که به موجب آن، دین مدت‌دار بدهکار به کمتر از مبلغ اسمی به صورت نقدی از داین خریداری می‌شود و طبق نظر فقها و علما، صحیح است. مرابحه، معامله‌ای است که فروشنده قیمت تمام شده کالا را به اطلاع مشتری می‌رساند و درخواست مبلغ یا درصدی به عنوان سود می‌نماید. این عقد از نظر شرع، یکی از انواع بیع بوده و صحیح می‌باشد. در مجموع، به وسیله عقود سه‌گانه می‌توان سرمایه‌های کوچک و بزرگ مردم را جمع‌آوری و با هدایت به سمت سرمایه‌گذاری در طرح‌های مفید و مولد امکان افزایش تولید، اشتغال و توزیع مناسب‌تر درآمد را فراهم آورد. لذا دولت با انتشار آن‌ها نقدینگی را در جامعه جمع‌آوری نموده و با سوق دادن آن‌ها به سمت فعالیت‌های مولد، زمینه تولید بیشتر و اشتغال گسترده‌تر را فراهم می‌آورد.

۱. عباس موسویان

۲. نظریور و ابراهیمی (۱۳۸۸)

## منابع

۱. آیتی، سید محمدرضا؛ آل بویه، علی (۱۳۸۹). «بررسی فقهی قرارداد استصناع در بازار بورس»، پژوهش نامه فقه و حقوق اسلامی، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان، صص ۳۴-۹.
۲. صالح آبادی، علی (۱۳۸۵). «بازارهای مالی اسلامی»، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳. کمیجانی، اکبر؛ نظریور، محمد نقی (۱۳۸۷). «چگونگی کاربرد عقد استصناع در قانون بانکداری بدون ربا»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۹۷-۶۹.
۴. مقدسی، محمدرضا (۱۳۷۳). «سیاست‌های پولی: انتخاب ابزاری به عنوان جایگزین»، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۵. ملاکریمی جوزانی، فرشته (۱۳۹۰). «بررسی فقهی عقود مرابحه، خرید دین و استصناع»، نشریه تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۳، صص ۴۶-۴۰.
۶. موسویان، سید عباس (۱۳۹۰). «امکان سنجی کاربردی مرابحه در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه روند پژوهش‌های اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۵۹، صص ۵۷-۳۳.
۷. موسویان، سید عباس (۱۳۸۶). «طراحی کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا براساس بیع مرابحه»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۱۳۷-۱۱۷.
۸. موسویان، سید عباس (۱۳۸۶). «بازارهای مالی اسلامی (صکوک)»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱). «جواهر الکلام»، جلد‌های ۲۳ و ۲۴، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۰. نظریور، محمد نقی (۱۳۹۰). «استقلال یا عدم استقلال عقد استصناع»، مجله فقه اهل بیت، شماره ۶۶-۶۷، صص ۱۶۸-۱۲۱.
۱۱. نظریور، محمدتقی و ابراهیمی، محبوبه (۱۳۸۸). «طراحی صندوق سرمایه‌گذاری مشترک اسلامی در بازار سرمایه»، نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۳، صص ۹۴-۶۳.
۱۲. نظریور، محمد نقی (۱۳۸۴). «اوراق استصناع (سفارش ساخت، ابزاری برای سیاست پولی)»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۱۱۰-۸۱.
۱۳. نقدی دورباطی، مریم و حیدریان، محمدرضا (۱۳۸۹). «جایگاه بیع استصناع (قرارداد سفارش ساخت) در فقه شیعه و سنی»، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۱۷۴-۱۵۲.
۱۴. نظریور، محمد نقی (۱۳۸۵). «عملیات بازار باز از طریق اوراق استصناع "مشکلات و راه‌حل‌ها"»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ششم، تابستان ۱۳۸۵، صفحات ۷۳-۴۷.

1. Flynn, S. (2008). "An Islamic capitalism", International Financial Law Review.
2. Jobst, A & Sole, J. (2012), "Operative Principles of Islamic Derivatives Towards a Coherent Theory", IMF Working Papers.
3. Jobst, A. (2009). "Derivatives in Islamic finance", Forthcoming in Islamic Economic Studies, 15(1). Available at SSRN: <http://ssrn.com> .  
Mousavian, S., A. (2011), "Application of Morabeha in Usury Free Banking System", Trend of Economic Research, 19(59), PP: 33-57.
4. Mousavian, S., A.(2007), "Estesna'n; Negotiable Papers, As a Complementary For Capital Market of Iran", Journal Of Economics Essays, 4(8), PP:11-35





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی